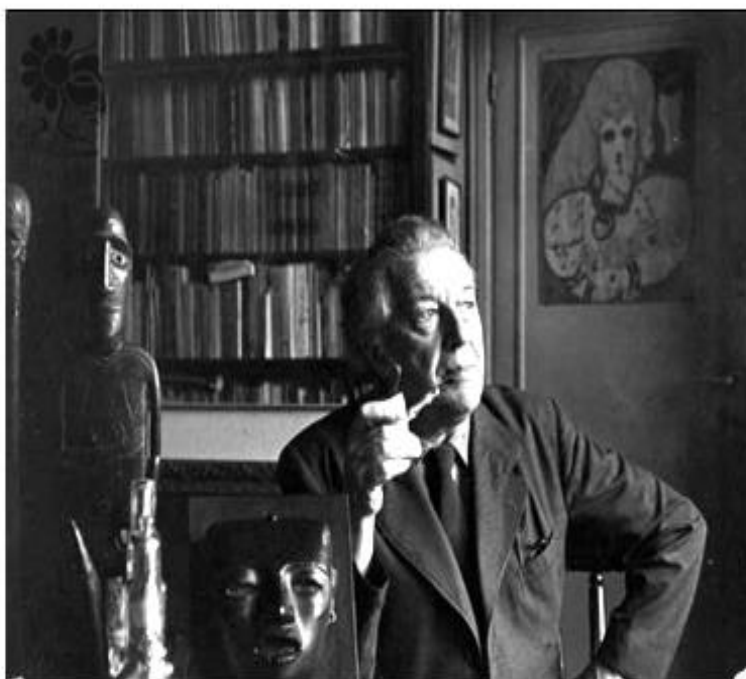


معرفی و آشنایی با سبک های مهم هنری، سبک سورئالیسم

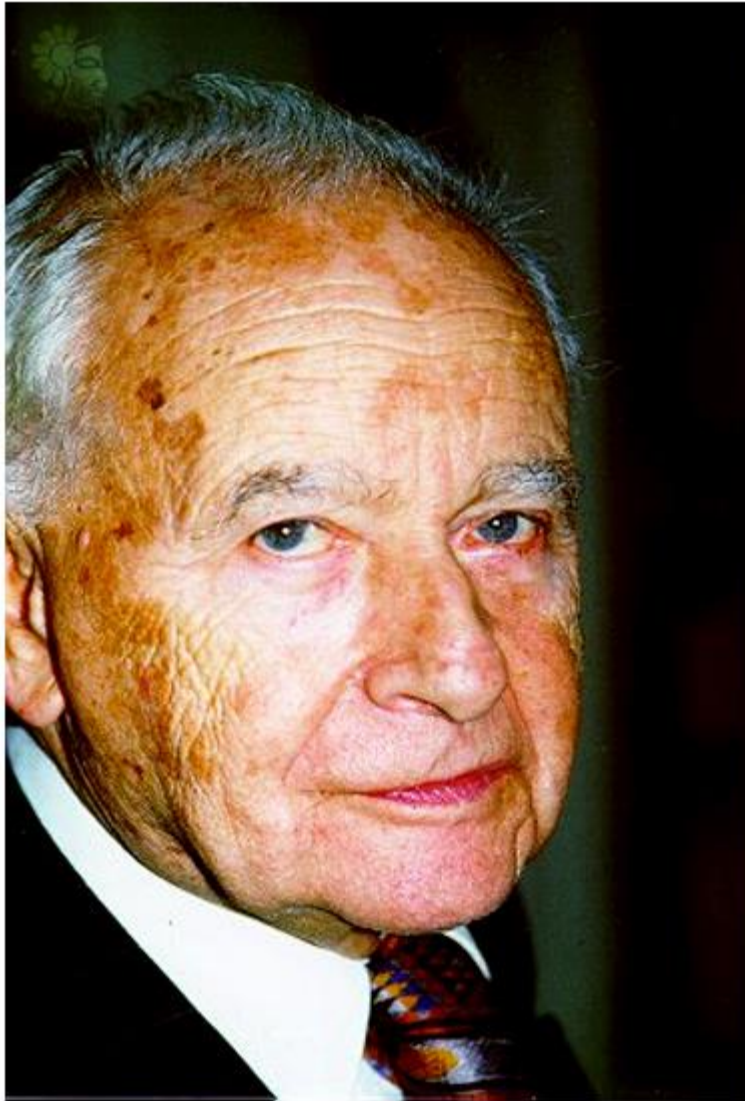
فراواقع گرایی

فراواقع گرایی یا سورئالیسم یکی از جنبش های معروف هنری در قرن بیستم است. زمانی که دادائیسم در حال از بین رفتن بود، پیروان آن به دور آندره برتون که خود نیز زمانی از دادائیست ها بود گرد آمدند و طرح مکتب جدیدی را ریختند که در سال ۱۹۲۳ به طور رسمی فراواقع گرایی نامیده شد. این جنبش در عمل با انتشار مجله انقلاب فراواقع گرا توسط برتون آغاز شد.



تاریخچه

فرا واقع گرایی (سوررئالیسم) محصول تغییرات بعد از جنگ جهانی اول و فراموشی دادائیسیم بود که از سال ۱۹۲۱ آغاز شد. ظهور سوررئالیسم زمانی بود که نظریه های فروید روانشناس اتریشی درباره ضمیر ناخودآگاه و رویا و واپس زدگی (سرکوب)، فرهیختگان اروپا را به خود مشغول کرده بود. آندره برتون و لویی آراگون (عکس پایینی) که هر دو پزشک امراض روانی بودند از تحقیق های فروید الهام گرفتند و پایه مکتب جدید خود را بر فعالیت ضمیر ناخودآگاه بنا نهادند.



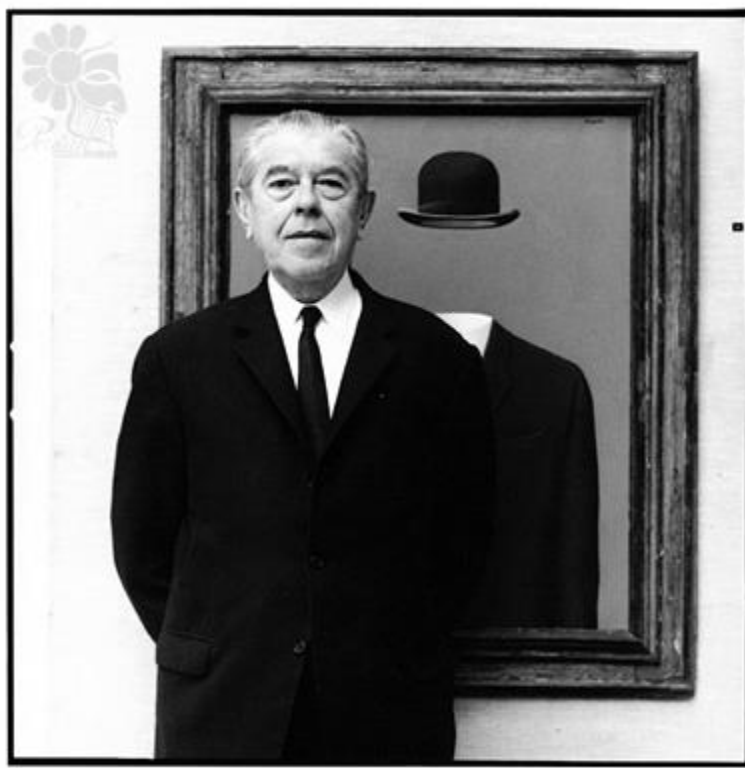
وی معتقد بود ادبیات نباید به هیچ چیز به جز تظاهرات و نمودهای اندیشه ای که از تمام قیود منطقی و هنری یا اخلاقی رها شده باشد
بپردازد و در اعلامیه ای که انتشار داد نوشت
سورثالیسم عبارت است از فعالیت خود به خودی روانی که به وسیله آن می توان خواه شفاهاً و خواه کتباً یا به هر صورت و شکل "
"دیگری فعالیت واقعی و حقیقی فکر را بیان و عرضه کرد



در سورتالیسم هدف هنرمند این است که یک واقعیت تازه و مطلق در بیاورد، به عبارت دیگر واقعیت و رویا را به هم بیامیزد "واقعیتی برتر از واقعیت" بیافریند.



از مشهور ترین هنرمندان سورئالیست، "سالوادوردالی" (عکس بالایی) و "رنه ماگريت" (عکس پایینی) هستند



سورنالیست ها می گویند بسیاری از تصورات و تخیلات و اندیشه های آدمی هست که انسان بر اثر مقید بودن به قید اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و رسوم و عادات از بیان آن ها خودداری می کند و این تصورات را به اعماق ضمیر پنهان خویش می راند.



این قبیل افکار و اندیشه‌ها و آرزوها غالباً در خواب و رویا و در شوخی‌ها و حرف‌هایی که از زبان انسان می‌پرد تجلی می‌کند و سورئالیستم طرفدار بیان صادقانه و صریح این قبیل افکار و تصورات و اوهام و آرزوها است.
سورئالیست‌ها فعالیت اصیل انسان را همان فعالیت رویا مانند ندای درونی دنیای ناخودآگاه می‌دانند.



از دیگر سورتالیست های معروف می توان به "پل الوار" (عکس بالایی) و "گیوم آپولینر" (عکس پایینی) اشاره کرد.



سورئالیسم در سینما و عکاسی

دوران شکل گیری سورئالیسم تقریباً با اولین موفقیت های سینمای صامت همزمان است. با گسترش سینما در قرن 20 م بسیاری از سورئالیست ها، رسانه ای آرمانی یافتند که می توانستند با آن دنیا های دیگر را کاشف کنند.

اعتقاد سورئالیست ها

سینما را شیوه ی بیان شورانگیزی می شمردند؛ وسیله انصراف خاطر یا "شگفتی آفرین" با نیروی تاثیر گذاری که می توانند فرد را برای لحظاتی از زندگی شخصی خود جدا کنند.

از این رو سورئالیست ها به صورت غیر عادی به سینما می رفتند: آنها وارد يك سالن سینما می شدند و بدون توجه به دنباله و پایان فیلم بیرون می آمدند و به سراغ سالن دیگر می رفتند ، از فیلمی به فیلم دیگر بی ان که کوچکترین توجهی به سناریو فیلم داشته باشند و تنها به تصویرهایی توجه داشتند که جدا از زمینه ی روایی شان بهانه ای می شد برای رویا و ساختارهای خیالی آنها در ساخت فیلم نیز از مونتاز برای ایجاد فضای سورئال استفاده می کردند. چرا که مونتاز فیلم امکان می دهد که زمان و مکان را به کلی زیر رو کنند و واقعیت و خیال را در نمایشی محسوس در آمیزند. من ری، هانس ریشتنر، فرانسیس پیکابیا هنرمندانی بودند که با رویکرد سورئالیستی به تجربه گرایی در فیلم پرداختند. و رنه کلو و بونوئل نیز هر دو کارشان را با همکاری سورئالیست ها آغاز کردند.



لوئیس بونوئل و سالوادور دالی در 1928 با همکاری هم فیلم "سگ آندلسی" را ساختند که یک فیلم سورئالیستی تمام عیار محسوب می شود. مثلاً در یکی از سکانس ها: ابری از برابر ماه می گذرد و در پلان بعد تیغی چشمی را در می آورد. یا در سکانسی دیگر از این فیلم: مرد جوان دهان خود را از چهره اش جدا می کند و کف دستش می گیرد. زن از این عمل ناراحت می شود و موهای زیر بغل خود را می نگرد؛ مویی وجود ندارد، سپس میبوهت می شود چون موها مانند ریش بر چهره مرد است. یا نمایی از فیلم که خرهای مرده بر روی اپانوها خودنمایی می کنند. و دستی که از آن مورچه بیرون می آید

از دیگر فیلم های بونوئل، این سینما گر شاعر: عصر طلابی، فراموش شدگان، سرزمین بی نان، ملك الموت و

...



بطور کلی می توان گفت : سورئالیست ها در فن سینما توگرافی، مجموعه ای از وسایل را پیدا می کنند که مخصوصاً می تواند بازگوی رویاها و اشتیاق و فعالیت های ضمیر ناخودآگاه باشد. يك فیلم سورئالیستی از طریق ذهن بر عواطف تاثیر می گذارد و فرد را از ضمیر آگاه به ضمیر ناخودآگاه می برد. اگر جنبش سورئالیسم به خودی خود عمر کوتاهی داشتف تاثیرش هنوز کاهش نیافته است . این

جنبش به خودی خود يك چیز است. و حساسیتی که آن را ایجاد کرد و هنوز ادامه دارد کاملاً چیز دیگری است.
وقتی كودك بودم، مانند يك كودك سخن گفتم . مانند يك كودك فهمیدم. مانند يك كودك فكر كردم"
اما وقتی مرد شدم، چیزهای كودكانه را کنار گذاشتم
"

فیلمنامه سگ آندلسی



چیزی که امروز در دنیای عکاسی شاهد آن هستیم به تصویر کشیده شدن سورئالیسم توسط دوربین عکاسی است. در هم آمیختگی واقعیت و توهم

آنچه بیش از هر چیز روش سورئالیستی را مشخص می کند نوعی آزادی مطلق در شکل و محتوا است که سورئالیست ها از آن با عنوان: نوشتار و بیان اتوماتیک یا خود کار نام می برند. و یا شاید تقلیدی آگاهانه از تابلوهای نقاشی دالی و دیگر نقاشان سورئالیست. شاید به جرات بتوان گفت سورئالیسم بیشتر حرکتی تجسمی است تا ادبی، نفی واقعیت از خلال دگرگون کردن تصویر و بهم ریختگی عناصر تجسمی

و شاید بتوان ادعا کرد که بزرگترین دستاورد سورئالیسم گسترش دیدگاه های فرویدی در تصاویر بود و از این طریق راه بر گرایش های نمادین، ذهن گرایانه و تفسیری از فرا واقعیت گشود

